دونالد ترامپ، چه در آمریکا و چه در نظام بین الملل، زیر بار انبوهی از فرصت های از دست رفته تقلا می کند

تراژدی یک خودشیفته انتقام جو

ترجمه

استفن والت
استاد روابط بین الملل دانشگاه هاروارد

عکس: Getty Images

خواه بخواهید و خواه نخواهید، «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری ایالات متحده، برای نزدیک به یک دهه مهم‌ترین چهره در صحنه سیاسی این کشور بوده است. تا این لحظه، زمان کافی برای داوری درباره این فرد داشته‌ایم و اکنون دو نکته درباره او کاملاً روشن شده است. اول اینکه از همان آغاز، جاذبه سیاسی او دست‌کم گرفته شده بود و او در گذر زمان به سیاستمداری کارآمدتر تبدیل شده است. با وجود دروغ‌گویی‌های مزمن، خلف وعده‌ها، محکومیت‌های کیفری، جرایم جنسی و تمایل آشکارش به زیر پا گذاشتن هر قاعده‌ای که مانع رسیدن به خواسته‌هایش شود، او حزب جمهوری‌خواه را مطابق میل خود بازسازی کرده و علیرغم عملکرد بسیار ضعیف در اولین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، در انتخابات ۲۰۲۴ دوباره پیروز شد. اکنون او در تلاش برای اجرای رادیکال‌ترین تحول در تاریخ سیاست آمریکا است؛ یک قبضه‌سازی اقتدارگرایانه که در حال حاضر نیز به‌شدت در جریان است و ممکن است به موفقیت برسد.

دومین نکته‌ای که درباره ترامپ آموخته‌ایم، این است که او سیاست‌گذار بسیار بدی است؛ ترکیبی از ناآگاهی، رفتارهای تکانشی و ترجیح وفاداری بر شایستگی، بارها او را به اتخاذ تصمیم‌های احمقانه کشانده است. او در تمرکز قدرت، ثروت‌اندوزی شخصی و تحت فشار قرار دادن اهداف آسیب‌پذیر، بسیار موفق‌تر از طراحی و اجرای ابتکارهایی سازنده بوده که برای ایالات متحده به طور کلی سودمند باشند.

با این ترکیب از مهارت سیاسی و ناتوانی در سیاست‌گذاری، فاجعه‌ای در حال وقوع است. زیرا ترامپ می‌توانست با استفاده از کاریزما و موقعیت مناسب خود (کنترل هر دو مجلس کنگره توسط جمهوری‌خواهان و دیوان عالی‌ای که دست‌کم با او همدل بود)، گره‌ها و ناکارآمدی‌هایی را که مانع اقدام رؤسای جمهوری اخیر برای حل مشکلات جدی کشور شده‌اند، باز کند. ترامپ «آنچه را که باید انجام می‌داد، انجام نداده؛ و آنچه را که نباید انجام می‌داد، انجام داده؛ و در وجودش هیچ سلامت و درستی نیست.» و ایالات متحده بشدت از این کاستی‌ها آسیب خواهد دید. چه چیزهایی مدنظر من است؟

برای آغاز، ترامپ می‌توانست دامنه بیش از حد گسترده حضور نظامی آمریکا در جهان را کاهش دهد، متحدان ایالات متحده را به مشارکت بیشتر در دفاع از خود وادارد و بودجه متورم وزارت دفاع را مهار کند. هرچند او موفق شد برخی از متحدان آمریکا را به انجام اقدامات بیشتر ترغیب کند، اما حضور نظامی جهانی ایالات متحده کاهش نیافته و بودجه دفاعی همچنان در حال افزایش است. در همین حال، لایحه بودجه‌ای که به‌تازگی از سوی کنگره تصویب شده، تریلیون‌ها دلار به سطح بدهی ایالات متحده خواهد افزود و به سود یک درصد بالای جامعه خواهد بود، دامنه گسترده‌ای از خدمات عمومی را کاهش خواهد داد و تأثیر اندکی بر بهبود زندگی اکثر آمریکایی‌ها خواهد داشت. این لایحه همچنین بذرهای یک دولت پلیسی نوپا را در خود دارد.

چه فرصت از دست‌رفته‌ای!

اگر به کشورهای صنعتی پیشرفته- از جمله چین- سر بزنید، با فرودگاه‌های مدرن و درخشان، سیستم حمل‌ونقل عمومی امن، کارآمد و مقرون‌به‌صرفه، جاده‌هایی بدون چاله‌چوله، قطارهای فوق‌سریع درون‌شهری و بنادر و زیرساخت‌های حیاتی پیشرفته مواجه می‌شوید. بسیاری از این کشورها همچنین دارای سیستم‌های مراقبت بهداشتی برتر و امید به زندگی بالاتر هستند. ایالات متحده زمانی با کیفیت زیرساخت‌های خود جهان را شگفت‌زده می‌کرد، اما اکنون از هم‌پیمانان و رقبا عقب مانده است. در عوض، تریلیون‌ها دلار را در جنگ‌های خارجی بیهوده و مداخلات طولانی‌مدت به هدر داده است. بدتر از آن، کشور به‌شدت دچار قطبی‌شدگی شده و سیستم سیاسی مملو از نقاط وتوست که آغاز و اجرای برنامه‌های بلندمدت ضروری را تقریباً ناممکن کرده است.

ایالات متحده همچنین از توانایی خود در جذب و حفظ برخی از درخشان‌ترین ذهن‌ها از سراسر جهان بهره‌مند شده است و اکنون ترامپ در حال واژگون‌کردن این مزیت است. چین در حال حاضر در زمینه تحقیق و توسعه از آمریکا پیشی گرفته، پژوهشگرانش اختراعات و مقالات علمی بیشتری تولید می‌کنند و در برخی فناوری‌های کلیدی آینده‌ساز (نظیر خودروهای الکتریکی و انرژی پاک) نقش غالب را به دست آورده‌اند. واکنش ترامپ؟ سیاست خلع سلاح فکری یک‌جانبه.

هیچ تردیدی نداشته باشید: تغییرات اقلیمی واقعی است و به‌مراتب بدتر خواهد شد؛ چراکه قوانین فیزیک جوی نه فاکس نیوز تماشا می‌کنند و نه تحت تأثیر تبلیغات شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. تصمیم ترامپ برای ترک توافق پاریس و تشویق به استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی، بحران را وخیم‌تر خواهد کرد و کشور را برای پیامدهای آن در موقعیت بسیار بدی قرار خواهد داد.

ترامپ باید در پی اصلاح و تقویت مشارکت‌های راهبردی ایالات متحده می‌بود، نه اینکه با متحدان همانند رعیت‌هایی که باید از آنها بهره‌کشی شود، رفتار کند. سیاست تعرفه‌ای دمدمی و اجباری او قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی را در داخل و خارج کاهش خواهد داد. این سیاست همچنین توان متحدان ایالات متحده برای پاسخ به خواسته‌های ترامپ مبنی بر افزایش هزینه‌های دفاعی را تضعیف خواهد کرد. شروع دعوا با کشورهای دوستدار آمریکا نظیر دانمارک، کانادا، کره جنوبی و ژاپن احتمالاً یکی از احمقانه‌ترین تصمیماتی است که تاکنون رئیس جمهوری اتخاذ کرده است؛ این کشورها شاید دندان روی جگر بگذارند و به برخی خواسته‌های او تن دهند، اما دیگر هرگز به آمریکا به همان شیوه پیشین نخواهند نگریست و تمایل بسیار کمتری برای پیروی از رهبری واشنگتن یا تطبیق با خواسته‌های آتی آن خواهند داشت.

> ترامپ می‌توانست از اهرم‌های نفوذ ایالات متحده برای پایان‌دادن به نسل‌کشی در غزه استفاده کند، رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به توافق جدید هسته‌ای با ایران اتخاذ کند و با ترکیبی از مشوق‌ها و تهدیدها، برای صلح در اوکراین فشار وارد کند. اما در عوض، مسأله را به استیو ویتکاف، دیپلمات آماتور، واگذار کرد

ترامپ علیه واقع گرایی

اگر ترامپ واقعاً می‌خواست نشان دهد در سیاست خارجی بهتر از اسلاف خود است، می‌توانست از اهرم‌های نفوذ ایالات متحده برای پایان‌دادن به نسل‌کشی در غزه استفاده کند، رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به توافق جدید هسته‌ای با ایران اتخاذ کند و با ترکیبی از مشوق‌ها و تهدیدها، برای صلح در اوکراین فشار وارد کند. اما در عوض، مسأله را به استیو ویتکاف، دیپلمات آماتور، واگذار کرد و نتیجه چیزی نبود جز خونریزی بیشتر در خاورمیانه، لکه‌دار شدن بیش‌ازپیش تصویر ایالات متحده، (اگر اصلاً چیزی از آن باقی مانده باشد) و پیشروی بیشتر روسیه.

در همین حال، ترامپ و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، بدنه دیپلماسی کشور را تضعیف کرده و نقش پیشین و مسلط ایالات متحده در بسیاری از نهادهای جهانی را واگذار کرده‌اند. همان‌طور که روزنامه نیویورک‌تایمز هفته گذشته گزارش داد، پکن در بهره‌برداری از این وضعیت تعلل نکرده و حضور خود را در مجموعه‌ای از مجامع بین‌المللی تقویت کرده و در حال عقد قراردادهای مختلف است. این تحول ممکن است پیش‌پاافتاده به نظر برسد، اما این نهادها همان‌جایی هستند که قوانین و استانداردهای فنی‌ای شکل می‌گیرند که بسیاری از تعاملات جهانی را تعریف می‌کنند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، حتی به خود زحمت نداد که در نشست اخیر گروه ۲۰ حضور یابد. چرا؟ چون آن نشست در آفریقای جنوبی برگزار می‌شد. چین اکنون دیپلمات‌ها و نمایندگی‌های خارجی بیشتری نسبت به ایالات متحده دارد، چون رهبران آن درک کرده‌اند که دیپلماسی، تعامل چهره‌به‌چهره و قدرت نرم چقدر ارزشمند است. اما ترامپ چنین درکی ندارد. زمانی خواهد رسید که مقامات و رهبران تجاری آمریکا با شوک از خواب بیدار می‌شوند و درمی‌یابند که باید در جهانی حرکت کنند که قوانینش دیگر «ساخت آمریکا» نیست و این همان جهانی است که ترامپ آمریکا را به سوی آن می‌برد.

به‌طور خلاصه، ترامپ فرصتی طلایی داشت تا اصلاحاتی گسترده و دیرهنگام را آغاز کند که می‌توانست شکاف‌های سیاسی فلج‌کننده در کشور را کاهش داده و موقعیت بین‌المللی ایالات متحده را تقویت کند. اگر او از کاریزما و مهارت‌های سیاسی‌اش برای پیشبرد مجموعه‌ای از سیاست‌های مدبرانه و خیرعمومی بهره می‌گرفت، برخی از شدیدترین منتقدانش احتمالاً آرام می‌گرفتند. اما او مسیر دیگری را در پیش گرفت و نشانه‌ای از توقف در این روند، حتی با وجود افت شدید محبوبیتش وجود ندارد.

منبع: Foreign Policy

برش
یک فرضیه ضعیف

اگر ترامپ بسیاری از فرصت ها را از دست نداده بود، تازه مثل یک دموکرات میانه‌رو رفتار کرده بود و پایگاه وفادار مگای او سر به شورش برمی‌داشت. اما من چنین فکری نمی‌کنم. رسوایی جفری اپستین به کنار، به نظر می‌رسد پایگاه ترامپ تقریباً هر حرف او را می‌پذیرد، حتی زمانی که آشکارا با مواضع قبلی‌اش در تناقض است. اما سناریوی فرضی من یک ضعف دارد: این فرض بر پایه ترامپی دیگر استوار است. نه یک خودشیفته انتقام‌جو که خود را نابغه‌ای بی‌بدیل می‌پندارد و تنها به بزرگداشت خودش می‌اندیشد و قوانین و هنجارها را به هیچ می‌گیرد، بلکه رئیس‌جمهوری که واقعاً می‌خواهد زندگی مردم را بهبود بخشد و جایگاه ایالات متحده در سیاست جهانی را نگاه دارد. افسوس که ترامپ چنین فردی نیست؛ و همین است که این فرصت‌ها یا از دست می‌روند یا بدتر از آن، به هدر می‌روند. ما می‌توانستیم چیزهای خوبی داشته باشیم اما نه با این رئیس‌جمهوری. شاید بشود این وضعیت را تراژدی شخصی ترامپ نامید-با توجه به تمایل شدیدش برای اینکه به عنوان رئیس‌جمهوری بزرگ شناخته شود-اما تراژدی واقعی، از آن همه ماست.

نشریات انگلستان تصمیم احتمالی لندن برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین را تحلیل و بررسی کردند

اقدام نمادین میراث خواران بالفور

گزارش

روزنامه‌های انگلستان دیروز چهارشنبه ابعاد تصمیم قریب‌الوقوع این کشور برای به رسمیت شناختن دولت فلسطین را مورد بررسی قرار دادند و در تحلیل‌های خود به موانع اسرائیلی-آمریکایی و پیامدهای دیپلماتیک این تصمیم پرداختند؛ در حالی که برخی از این گزارش‌ها از این گام تمجید کرده‌اند، برخی دیگر نسبت به احتمال کارشکنی در مسیر آن ابراز نگرانی کرده‌اند.

این گزارش‌ها در پی اعلام روز سه‌شنبه نخست‌وزیر بریتانیا، کایر استارمر منتشر شده‌اند. او اعلام کرد که کشورش در صورتی که اسرائیل تا سپتامبر آینده (هم‌زمان با نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد) گام‌های ملموسی برای اجازه ورود کمک‌ها به نوار غزه برندارد، به راه‌حل دو دولتی پایبند نشود و از الحاق کرانه باختری خودداری نکند، دولت فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت.

شروط استارمر

روزنامه تلگراف، چهار شرطی را که استارمر، رهبر حزب کارگر بریتانیا، در ازای به تعویق انداختن شناسایی رسمی دولت فلسطین به دولت اسرائیل ارائه داده است، بررسی کرده و تأکید می‌کند که در پرتو مواضع کنونی اسرائیل، احتمال پاسخ مثبت به این شروط که در ادامه آمده بسیار ضعیف به نظر می‌رسد.

> روزنامه تایمز در گزارشی تأکید کرده است که این اقدام نمادین بریتانیا ممکن است تغییر چشم‌گیری ایجاد نکند، بویژه با توجه به مخالفت سرسختانه اسرائیل و وتوی احتمالی ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل. اما این گام از منظر سیاسی و دیپلماتیک حائز اهمیت است

آتش‌بس: استارمر خواستار آتش‌بسی فوری و پایدار در نوار غزه شده است. به گفته این گزارش، نبود اعتماد میان طرف‌های درگیر و ادامه عملیات نظامی، تحقق این شرط را در حال حاضر بسیار بعید می‌سازد.

اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه از طریق سازمان ملل: استارمر خواستار ازسرگیری ورود کمک‌ها از طریق یک سازوکار سازمان ملل و اجازه ورود روزانه ۵۰۰ کامیون کمک مانند دوران پیش از جنگ شده است. با این حال، گزارش یادآور می‌شود که نظام فعلی کمک‌رسانی که بر بنیادهای خصوصی آمریکایی تکیه دارد، این درخواست را به مسأله‌ای پیچیده با موانع سیاسی و امنیتی متعدد تبدیل کرده است.

توقف الحاق کرانه باختری: استارمر تأکید کرده که اسرائیل باید متعهد به عدم الحاق سرزمین‌های فلسطینی در کرانه باختری شود و آن را شرطی اساسی دانسته است. اما گزارش تلگراف می‌افزاید که نبود اراده سیاسی در اسرائیل برای توقف یا محدود کردن روند الحاق، بویژه به دلیل نفوذ جریان راست‌افراطی در دولت اسرائیل، مانعی جدی در برابر تحقق این شرط است.

تعهد به صلحی پایدار براساس راه‌حل دو دولتی: آخرین شرط استارمر، تعهد اسرائیل به طرح صلحی است که به راه‌حل دودولتی بینجامد. اما گزارش تلگراف خاطرنشان می‌کند که این راه‌حل اکنون از هر زمان دیگری دورتر شده، بویژه در سایه اختلاف‌نظرها درباره مسائل کلیدی مانند مرزها، حق بازگشت آوارگان، وضعیت قدس اشغالی و ادامه شهرک‌سازی‌ها.

پیامدها و موانع پیش رو

روزنامه تایمز در گزارشی تأکید کرده است که این اقدام نمادین بریتانیا که در راستای سیاست‌های فرانسه صورت می‌گیرد، ممکن است تغییر چشم‌گیری ایجاد نکند، بویژه با توجه به مخالفت سرسختانه اسرائیل و وتوی احتمالی ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل. با این حال، این گام از منظر سیاسی و دیپلماتیک حائز اهمیت است، بویژه از آن‌رو که انگلستان اولین کشوری بود که با صدور اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ زمینه‌ساز ایجاد یک دولت یهودی در سرزمین فلسطین شد.

روزنامه ایندیپندنت نیز در گزارشی به نتایجی مشابه رسیده و اشاره کرده است که اگرچه این شناسایی از نظر حقوقی جایگاه فلسطین را در سازمان ملل تغییر نخواهد داد، اما پیام‌های سیاسی نیرومندی در خود دارد، تلاش‌های اروپا برای احیای راه‌حل دو دولتی را از نو فعال می‌کند و شکاف فزاینده میان سیاست‌های ایالات متحده و اروپا در قبال منازعه فلسطین-اسرائیل را برجسته می‌سازد.

با این حال، مهم‌ترین مانع فعلی در مسیر به رسمیت شناختن دولت فلسطین، استفاده ایالات متحده از حق وتو است؛ نکته‌ای که به نقل از جولی نورمن، استاد مطالعات خاورمیانه در کالج دانشگاهی لندن در این گزارش آمده است.

جولی نورمان ادامه داد که رأی مثبت بریتانیا و فرانسه به نفع فلسطین در سازمان ملل متحد، گامی نمادین اما «مهم» خواهد بود. او افزود، هرچند این اقدام بلافاصله وضعیت میدانی را تغییر نخواهد داد، اما جایگاه سیاسی فلسطینیان را در هرگونه مذاکرات آتی تقویت خواهد کرد.

در صورتی که انگلستان در سپتامبر آینده فلسطین را به رسمیت بشناسد، نمایندگی فلسطین در لندن به سفارت ارتقا خواهد یافت.

همچنین، این تصمیم به رسمیت شناختن گذرنامه‌های فلسطینی را در پی خواهد داشت، هرچند طبق گزارش، تأثیری بر نظام پناهندگی و مهاجرت فعلی بریتانیا نخواهد گذاشت و سفر به این کشور همچنان تابع نظام ویزا خواهد بود.

وینسنت فیان، کنسول سابق بریتانیا در قدس نیز به ایندیپندنت گفته است که به رسمیت شناختن دولت فلسطین تغییری در مسأله «حق بازگشت» پناهجویان فلسطینی ایجاد نخواهد کرد، زیرا این یک حق تاریخی است.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص شبکه گستر پادرا
به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۴۹۳۶۴ و به‌شماره ثبت ۲۸۱۰۸۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی وخدمات مدیریت آزمودگان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۲۳۳۹ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی مؤسسه حسابرسی هدف نوین نگر به شناسه‌ملی ۱۰۳۲۰۵۳۷۵۲۰ به سمت بازرس علی‌البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.
۱۹۷۵۹۴۰
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
ایران
۱۸۷۷

سایپا سیتروئن
SAIPA CITROËN CO.
آگهی تجدید مناقصه عمومی
شرکت سایپا سیتروئن در نظر دارد «خرید ۲ ردیف فیلتر دما پایین مورد نیاز کابین‌های سه گانه پاشش سالن رنگ شرکت سایپا سیتروئن» خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیتروئن انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات: کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۱۲، ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۳۸
معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

سایپا سیتروئن
SAIPA CITROËN CO.
آگهی تجدید مناقصه عمومی
شرکت سایپا سیتروئن در نظر دارد «ترانزیت ریلی کانتینرهای اقلام CKD از گمرک بندرعباس به انبار گمرک شرکت سایپا سیتروئن و بالعکس» خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیتروئن انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات: کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۲۸۳۶-۰۳۱-۵۵۸۱۲۸۳۹
معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

به بهانه سالروز ترور اسماعیلِ فلسطین در تهران

سحرگاه ۱۰ مردادماه ۱۴۰۳ خبری منتشر شد که رسانه‌های جهان را به شوک فرو برد. یکی از میهمانان مراسم تحلیف دکتر پزشکیان، در ساختمان محل اقامتش در شمال تهران ترور شد. خبر شهادت اسماعیل هنیه رهبر مقاومت اسلامی حماس در روزهایی که هنوز ترور رهبران و شخصیت‌های مقاومت به امری پرتکرار تبدیل نشده بود، شوکی بزرگ به محور مقاومت وارد کرد.

از دست دادن اسماعیل هنیه یکی از خلأهای بزرگ و جدی برای مقاومت بود. شخصیتی که در دهه‌های اخیر یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیران و رهبران مقاومت فلسطین پس از ترور شیخ احمد یاسین در سال ۲۰۰۴ بود. هنیه صاحب خیلی از «اولین‌ها» و یا «تنهاها» در میان فلسطینی‌ها بود. لذا سخن گفتن از او در یک ستون کاری سخت و تلاشی بیهوده است؛ این یادداشت تنها برای ادای دینی از سوی نویسنده است.

خودش می‌گفت چون من بعد از هفت دختر به دنیا آمدم لذا پدرم آیه «الْحَمْدُ لِلَّـهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ إِسْمَاعِیلَ..» را خواند و اسمم را اسماعیل انتخاب کرد. در فقر و در اردوگاه الشاطی شهر غزه بزرگ شد. اسماعیل هنیه جایی گفته بود پدرم صوفی بود و شیخ مذهب شان بود. من را مراسم ولادت و عزا (اهل بیت) صوفیه می‌برد، در جلسات اذکار شرکت می‌کردم و قرآن می‌خواندم. شاید دلیل انس هنیه با قرآن هم همین بوده است. او همیشه مؤلفه اصلی جامعه غزه و مقاومت آن را قرآن می‌دانست.

از نوجوانی با شیخ احمد یاسین و تفکرات اخوانی‌اش آشنا شد و در دانشگاه اسلامی غزه ادبیات عرب خواند. علاقه او باعث شده بود در سخنرانی‌هایش شعر زیاد بشنویم. مثل شعری که در آخرین دیدارش با رهبر انقلاب درست در روز پیش از ترورش خوانده بود: «نحن قوم اذا خلأ منا سید قام سید آخر»

او جزو اولین و معدود رهبران محبوب سیاسی - نظامی فلسطینی بود که اتفاقاً براساس تنها انتخابات پارلمانی گسترده فلسطینی، به نخست‌وزیری فلسطین هم رسید. هنیه از رهبران فلسطینی بود که ارتباط با رهبران امت عربی و اسلامی برایش مسأله بود و تقریباً با همه سران کشورهای اسلامی رفت و آمد داشت و مورد وثوق و اعتماد آنان بود. او تنها رهبر فلسطینی بود که اگرچه بدلیل حضور در تهران و اطلاق صفت شهید القدس به حاج قاسم خودش فرصت بازگشت به فلسطین از او با کارشکنی مصری‌ها سلب شده بود، اما خانواده‌اش در طوفان الاقصی در فلسطین ماندند و سه نفر از پسرانش شهید شدند.

هنیه جمعی از یک چهره دینی، کاریزماتیک، دیپلمات و راهبر جریان نظامی مقاومت بود. جمع این صفات از وی یک شخصیت استثنایی در محور مقاومت ساخته بود. هنیه در دوران رهبری‌اش نبردهای مهمی چون جنگ ۵۱ روزه، سیف القدس و طوفان الاقصی را مدیریت کرد. مدیریت چالش‌های فراوان منطقه‌ای، تحولات تطبیع و ارتباطات با ایران و جهان عرب بالاخص از ۲۰۱۱ به این سو از دیگر نقاط پررنگ دوران رهبری او در دفتر سیاسی حماس است.

او عاشق مسجدالاقصی بود و یکی از دلایل اتفاق ۷ اکتبر را هم مسجدالاقصی می‌دانست و به صراحت می‌گفت: «برای ما واضح بود و اطلاع داشتیم که این کابینه (نتانیاهو) با ریشه‌های خود در داخل توده صهیونیست‌ها اقدام به تخریب مسجدالاقصی یا دست‌کم سیطره بر آن خواهد کرد.»

از هنیه جملات و لحظات نابی به یادگار مانده است. مثل لحظه‌ای که در ورودی اتاقی در بیمارستانی در قطر ایستاده است و دست‌هایش را روی هم جلوی سینه‌اش به هم قفل کرده است و در پاسخ به خبر شهادت سه پسر و چهارنوه‌اش در اردوگاه الشاطی غزه، همان جایی که به دنیا آمد و زندگی کرد با صدایی آرام می‌گوید: الحمدالله... به کارمان ادامه دهیم....

جمله مشهور دیگری که از هنیه به یادگار مانده: لن نعترف، لن نعترف، لن نعترف بإسرائیل است یعنی «نمی شناسیم، نمی شناسیم، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم» که به یک شعار حماس تبدیل شده است.

هنیه در شعر و سخن‌هایش هم از شهادت بسیار سخن می‌گفت. هم چنین خودش چه زیبا پس از شهادت صالح العاروری گفته بود که وقتی به سرنوشت رهبران حماس نگاه می‌کنم، عاقبت همه و همه رهبران حماس، شهادت است؛ همانگونه که خود شیخ صالح العاروری هم همین را در پاسخ سؤال خبرنگار از تهدیدات ترور رژیم گفته بود.

جایی دیگر اسماعیل هنیه گفته بود: نحن قوم نعشق الموت! کما یعشق اعدائنا الحیاة «ما قومی هستیم که مرگ را دوست داریم! همان‌طور که دشمنان ما زندگی را...» تعبیری شاعرانه که آن را می‌توان برداشتی از جمله امام حسین(ع) دانست که فرمودند مرگ با عزت انتخاب ما در مقابل زندگی در ذلت است.